

## نگاهی به یک باور

### بررسی جمله مشهور

«هیچ کاخی برپا نمی‌شود، مگر آن که کوخی کنار آن بنا شود یا ویران گردد»<sup>۱</sup>

محمدحسین صالح‌آبادی\*

#### چکیده

این نوشتار، عبارت مشهور «هیچ کاخی برپا نمی‌شود، مگر آن که کوخی کنار آن، بنا شود یا ویران گردد» - که در چند دهه اخیر به عنوان حدیث، بسیار به کار رفته است - را بررسی می‌کند. این بررسی از آن رو صورت گرفته که حدیث، در فرهنگ‌سازی جامعه دین‌داران، تأثیر بسیاری دارد و ضروری است نسبت آن چه به عنوان حدیث، مشهور شده با مجموعه متون دینی روشن شود. بدین منظور نویسنده پس از بررسی و ناامیدی از یافته شدن این عبارت در منابع حدیثی، مضمون آن را به متون حدیثی عرضه کرده و بدین نتیجه رسیده که هر چند این جمله به مضمون حدیثی از امیرمؤمنان نزدیک است، اما زاویه دید این حدیث و احادیث نزدیک به عبارت مورد بحث، تفاوت ماهوی دارند؛ در احادیث، ثروت ثروتمندان مشروع دانسته شده و آنان فقط از حیث نپرداختن زکات که نیازهای اولیه تهی‌دستان را جبران می‌کند، گناهکار شمرده و مذمت می‌شوند؛ در حالی که در عبارت یادشده فرض اولیه، نامشروع بودن ثروت ثروتمندان است و دارایی آنان را اموال غارت شده از دیگران می‌داند. بدین ترتیب نویسنده خاستگاه این عبارت را احادیث نمی‌داند و احتمال می‌دهد آبخور این عبارت، اندیشه کمونیست‌ها باشد.

**کلیدواژه‌ها:** تهی‌دستان، زکات، فقر، ثروت مشروع، احادیث جعلی، علوم و معارف حدیث.

۱. این نگاشته همسو با فعالیت‌های علمی مرکز تخصصی حدیث منتشر می‌شود.  
\* پژوهشگر پژوهشگاه معارف قرآن و حدیث (saleh@hadith.net).

## مقدمه

جمله «هیچ کاخی برپا نمی‌شود، مگر آن که کوخی کنار آن بنا شود یا ویران گردد» در چند دهه اخیر بسیار کاربرد داشته و به عنوان یکی از سخنان حکیمانه امیرمؤمنان علیه السلام مشهور شده است. در نوشته پیش رو این عبارت از حیث انتساب به معصومان علیهم السلام مورد بررسی قرار گرفته که روشن شود بین این عبارت و سخن معصومان علیهم السلام چه نسبتی وجود دارد. از آن جا که حدیث، تأثیر بسیاری در فرهنگ عامه و اندیشه، باور و رفتار دین داران دارد، بررسی احادیث از گذشته مورد توجه اندیشمندان مسلمان قرار گرفته و تأملات و تلاش‌های آنان، شاخه‌هایی از علوم حدیث را شکل داده است. در متونی که در منابع حدیثی ثبت شده، بررسی‌های گوناگونی همچون بررسی سندی و متنی صورت می‌گیرد. از این رو جا دارد درباره آن چه به عنوان حدیث در افکار عمومی مطرح می‌شود، حساسیت وجود داشته باشد. عبارت یادشده از جمله عبارات مشهوری است که در چند دهه اخیر به عنوان حدیثی از امیر مؤمنان علیه السلام از سوی گویندگان و نویسندگان مطرح می‌گردد و بر اساس آن، نسبت به برخی امور جامعه، داوری می‌شود. بدیهی است چنان چه این داوری‌ها، بر پایه اندیشه دینی صورت می‌گیرد، باید انتساب این عبارت به مجموعه متون دینی، مشخص باشد، وگرنه داوری صورت گرفته بدون این که مبنای دینی داشته باشد، به نام دین و دین داران نوشته می‌شود و از این رهگذر، اندیشه‌های التقاطی دیگر مکاتب فکری، در میان آنان رخنه می‌کند. این دغدغه، نویسنده را بر آن داشت که درباره حدیث بودن این عبارت، به کاوش بپردازد. بدین منظور، بحث از دو زوایه واکاوی می‌شود.

انتساب این عبارت به معصومان علیهم السلام به ویژه امیرمؤمنان علیه السلام

مشهور آن است که این عبارت از سخنان امیرمؤمنان علیه السلام است. برای یافتن منبع این سخن در منابع حدیثی، جست‌وجوی‌های گوناگون رایانه‌ای انجام گرفت که نتیجه‌ای در پی نداشت و این عبارت در منابع حدیثی پیشین و متأخر یافت نشد. گفتنی است برخی جملات حکمت‌آمیز و ضرب‌المثل‌ها، گاه به اشتباه، حدیث پنداشته شده و در برخی منابع ضعیف و متأخر حدیثی، به عنوان حدیث نقل گردیده‌اند و در برخی موارد به امیر مؤمنان علیه السلام نسبت داده شده‌اند؛ شاید از آن رو که عبارات کوتاه و حکمت‌آمیز ایشان بیش از سایر معصومان علیهم السلام بر سر زبان‌ها بوده و شهرت داشته‌اند.<sup>۱</sup> بنابراین پیدا

۱. برخی متون نقل شده در جلد بیستم شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید و کتاب غرر الحکم، از این دسته‌اند. تجربه شخصی

نشدن این عبارت در منابع متأخر و ضعیف، شایسته تأمل است. ضمن آن که این عبارت مشهور در دوران پس از انقلاب اسلامی و نزدیک به آن بر سر زبان‌ها افتاده و پیش از آن حتی در ادبیات عامیانه قرون گذشته نیز دیده نمی‌شود.<sup>۱</sup> از این رو شناخت خاستگاه این عبارت، نیاز به بررسی دارد که روشن شود برداشتی از احادیث و متون دینی است که توسط مبلغان و خطیبان، برجسته و ترویج شده یا ریشه در امر دیگری دارد. از این رو لازم است نخست این عبارت به متون حدیثی عرضه شود و چنانچه برداشت حدیثی آن قابل اثبات نبود، به دیگر احتمالات اندیشید.

### عرضه مضمون این عبارت به مجموعه روایات

پس از ناامیدی از یافتن متن عبارت در منابع حدیثی، برای روشن شدن تکلیف این عبارت که به حدیث بودن شهره است، نوبت به عرضه مضمون آن به مجموعه روایات می‌رسد. در عرضه مضمون این عبارت به متون دینی، به‌ویژه احادیث، به نظر می‌رسد متون ذیل بیش از همه، به مضمون عبارت یادشده نزدیک است:

امام علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَىٰ أَعْيَابِ النَّاسِ فِي أَمْوَالِهِمْ قَدْرَ الَّذِي يَسْعُ فُقَرَاءَهُمْ فَإِنْ ضَاعَ الْفُقَرَاءُ أَوْ أَجْهَدُوا أَوْ أُعْرُوا فَبِمَا يَمْتَنِعُ أَعْيَابُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ مُحَاسِبُهُمْ بِذَلِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمُعَذِّبُهُمْ بِهِ عَذَابًا أَلِيمًا<sup>۲</sup>

خداوند در اموال توانگران به اندازه‌ای که تهی‌دستان‌شان را تأمین کند، حق و حقوق واجب کرد. بنابراین اگر تهی‌دست نابود شود یا در راه تأمین معاش خود جان بکند یا برهنه بماند، علتش آن است که توانگران از پرداخت حق او دریغ کرده‌اند. خداوند عزوجل در روز قیامت توانگران را برای این کار مؤاخذه می‌کند و آنان را عذابی دردناک می‌چشاند.

این سخن امیرمؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه این‌گونه آمده است:

نگارنده و برخی از محققان مؤسسه تحقیقاتی دارالحدیث، گویای این حقیقت است که جست‌وجوهای فراوان برای یافتن منابع حدیثی برای عبارت‌های نقل شده در آنها، نتیجه‌ای در بر ندارد، جز آن که احتمال می‌رود عبارت نقل شده از آن حکمای دیگر ملت‌ها یا ضرب‌المثلی از عرب باشد.

۱. این امر از جست‌وجوی‌های مختلف در منابع حدیثی و تاریخی و اجتماعی گذشته و پیدا نشدن این عبارت در آنها، قابل برداشت است.

۲. دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۲۴۵؛ بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۲۸، ح ۵۷.

إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَتَّعَ بِهِ عَنِّي وَ اللَّهُ تَعَالَى سَائِلُهُمْ عَنْ ذَلِكَ؛<sup>۲</sup>

خداوند سبحان، خوراک تهی دستان را در اموال توانگران قرار داده است. پس هیچ تهی دستی گرسنه نماند، مگر به سبب این که ثروتمندی از حق او بهره مند شده است و خدای بزرگ در این باره از آنان بازخواست می کند.

تعبیر «فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَتَّعَ بِهِ عَنِّي؛ پس هیچ تهی دستی گرسنه نماند، مگر به سبب این که ثروتمندی از حق او بهره مند شده است»<sup>۳</sup> از این متن گزینش شده و در برخی آثار مکتوب و سخنرانی ها به کار رفته است.

این حدیث از امام صادق علیه السلام بیش از سایر متون حدیثی دیگر به عبارت مورد بحث در این نوشتار نزدیک است؛ هرچند درباره نیازمندان به خوراک است و نسبت به ساخت بنا چیزی نمی گوید:

إِنَّمَا وَضَعَتِ الزَّكَاةُ اخْتِبَارًا لِلْأَغْنِيَاءِ وَمَعُونَةً لِلْفُقَرَاءِ وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدَّوْا زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ مَا بَقِيَ مُسْلِمٌ فَقِيرًا مُحْتَاجًا وَلَا سَتَغْنَى بِمَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ وَإِنَّ النَّاسَ مَا افْتَقَرُوا وَلَا اِحْتَاؤُوا وَلَا جَاعُوا وَلَا عَزَّوْا إِلَّا بِذُنُوبِ الْأَغْنِيَاءِ وَحَقِيقٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَمْنَعَ رَحْمَتَهُ مَنْ مَتَّعَ حَقَّ اللَّهِ فِي مَالِهِ... وَأَسْخَى النَّاسِ مَنْ أَدَّى زَكَاةَ مَالِهِ وَلَمْ يَبْخَلْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُمْ فِي مَالِهِ؛<sup>۴</sup>

زکات به منظور آزمودن توانگران و کمک به مستمندان وضع شده است. اگر مردم زکات اموال خود را می پرداختند، هیچ مسلمانی نیازمند نمی ماند و به سبب آن چه خداوند عزوجل برای او واجب کرده است بی نیاز می شد. مردم، فقیر و نیازمند و گرسنه و برهنه نشدند، مگر به گناه ثروتمندان. خداوند بر خود لازم می داند رحمتش را از کسی که حق خدا در اموالش را نمی پردازد، بازدارد... بخشنده ترین مردم کسی است که زکات مالش را می پردازد و نسبت به حقی که خدا در اموالش برای مؤمنان نیازمند قرار داده، بخل نمی ورزد.

۱. در برخی نسخه ها، کلمه «منع» به جای «متع» آمده که به معنای بازداشتن حق مستمندان از زکات مال است و با نقل دعائم الاسلام از سخن امیرمؤمنان و مضمون احادیث وارده از دیگر معصومان علیهم السلام که در این نوشتار نقل شده، هماهنگ است.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۲۸.

۳. البته در برخی نسخه های نهج البلاغه مثل نسخه فیض الاسلام، به جای واژه «متع» واژه «منع» نقل شده است؛ «ما جاع فقیر إلا بما منع عنی؛ فقیری گرسنه نمی ماند، مگر به سبب آن که ثروتمندی حق او را باز می دارد».

۴. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷، ح ۱۵۷۹؛ وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۱۲، ح ۱۱۳۹۲-۱۱۳۹۶.

در این روایت نیز تأکید شده است اگر ثروتمندان زکات اموال خود را پرداخت کنند، نیازمندی باقی نمی ماند و در آن صورت افراد تهی دست، گرسنه و بی لباس، در جامعه دیده نمی شدند. همچنین تصریح شده که وجود این گونه افراد نیازمند، نشانه ای از گناه ثروتمندان در پرداختن زکات است. بدین ترتیب، در این متن، ثروتمندان عامل فقر و گرسنگی نیازمندان دانسته شده اند؛ اما این سخن مطلق نیست، بلکه نسبت به پرداخت زکات است. براساس این دست روایات، نیازهای ضروری و اولیه نیازمندان مثل خوراک و پوشاک با پرداخت زکات، برطرف می شود. این گونه تعابیر، نسبت به بهره مندی ثروتمندان از برخورداری های فراتر از نیازهای اولیه در خوراک، پوشاک و مسکن ساکت اند. افزون بر این حدیث، برخی دیگر از روایات زکات که در ذیل آمده نیز بر این امر تأکید کرده اند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ مِمَّا يَكْتَفُونَ بِهِ، وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّ الذِّي فَرَضَ لَهُمْ لَمْ يَكْفِهِمْ لِرَادِهِمْ، فَإِنَّمَا يُؤْتِي الْفُقَرَاءَ فِيمَا أَوْتُوا مِنْ مَنَعٍ مَن مَنَعَهُمْ حُقُوقَهُمْ، لَا مِنَ الْفَرِيضَةِ؛<sup>۱</sup>

خداوند عز و جل در دارایی های توانگران به اندازه ای که نیاز تهی دستان را تأمین کند، حقی واجب کرد. اگر خداوند می دانست که آن چه برای تهی دستان مقرر داشته، کفایت شان نمی کند، حق بیشتری واجب می کرد. بنابراین، تهی دستی فقیران نه به سبب [کم بودن مقدار] این فریضه (زکات) است، بلکه از آن روست که توانگران حقوق آنان را نمی پردازند.

امام رضا علیه السلام می فرماید:

إِنَّ عِلَّةَ الزَّكَاةِ مِنْ أَجْلِ قُوَّةِ الْفُقَرَاءِ، وَتَحْصِينِ أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ؛ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ كَلَّفَ أَهْلَ الصَّحَّةِ الْقِيَامَ بِشَأْنِ أَهْلِ الزَّمَانَةِ وَالْبَلْوَى، كَمَا قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: ﴿لَتُبْلَوُنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ﴾<sup>۲</sup> فِي أَمْوَالِكُمْ: إِخْرَاجُ الزَّكَاةِ، وَفِي أَنْفُسِكُمْ: تَوَطُّيْنُ الْأَنْفُسِ عَلَى الصَّبْرِ. مَعَ مَا فِي ذَلِكَ مِنْ أَدَاءِ شُكْرِ نِعَمِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَالظَّمْعِ فِي الزِّيَادَةِ، مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الزِّيَادَةِ وَالرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ لِأَهْلِ الضَّعْفِ، وَالْعَطْفِ عَلَى أَهْلِ الْمَسْكِنَةِ، وَالْحَثِّ لَهُمْ عَلَى الْمُتَوَاسَاةِ، وَتَقْوِيَةِ الْفُقَرَاءِ، وَالْمَعُونَةِ لَهُمْ عَلَى أَمْرِ الدِّينِ، وَهُوَ عِظَّةٌ لِأَهْلِ الْغِنَى وَعِبْرَةٌ لَهُمْ

۱. علل الشرائع، ص ۲۶۹، ج ۲؛ وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۳، ح ۲ و ۳.

۲. آل عمران، ۱۸۶.

### لَيْسَتَدُلُّوا عَلَى فُقَرَاءِ الْآخِرَةِ بِهِمْ؛<sup>۱</sup>

سبب [وضع] زکات آن است که هزینه تهی‌دستان، تأمین گردد و دارایی‌های توانگران حفظ شود؛ زیرا خداوند عزّ و جلّ تندرستان را مکلف کرد به امور افراد بیمار و از کار افتاده رسیدگی کنند؛ چنان‌که فرمود: «شما در دارایی‌ها و جان‌هایتان آزمایش می‌شوید.» آزمون در اموالتان، پرداخت زکات است و آزمون در جان‌ها، واداشتن آنها به صبر (پایداری) است. علاوه بر این، با پرداخت زکات، از نعمت‌های خداوند عزّ و جلّ شکرگزاری می‌شود و به افزایش دارایی‌ها امید می‌رود و ناتوانان مشمول رأفت و مهربانی قرار می‌گیرند و به بینوایان مهرورزی می‌شود و توانگران، به هم‌دردی و تقویت تهی‌دستان و کمک به امور دینی آنان تشویق می‌شوند. دادن زکات، اندرزی به توانگران و عبرتی برای آنان است که با [دیدن] فقیران، به فقیران آخرت پی برند.

بر اساس این حدیث رضوی، بخش توانمند جامعه بشری، نسبت به بخش نیازمند مسئولیت دارد؛ افراد سالم نسبت به بیماران و ثروتمندان نسبت به تهی‌دستان. زکات نیز در راستای این وظیفه انسانی تدبیر شده و از یک سو، روحیه رأفت و رحمت افراد جامعه نسبت به دردمندان و ناتوانان را تقویت می‌کند و از دیگر سو، به نیازمندان کمک می‌کند در برابر سختی معیشت مقاومت کنند.

بنابر این حدیث و احادیث پیشین، آنچه بر آن تأکید شده، رفع نیاز تهی‌دستان در حد نیازهای اولیه است که آنان را از سختی معیشت - مثل گرسنگی و بی‌لباسی - نجات می‌بخشد؛ امری که از آن با تعبیر تأمین به مقدار کفایت یاد شده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ مِمَّا يَكْتَفُونَ بِهِ»<sup>۲</sup>. فقط رفع این مقدار نیاز است که با پرداخت زکات برطرف می‌شود و چنان‌چه ثروتمندان از پرداخت آن خودداری نکنند، فقر از بین می‌رود و ثروتمندان در برطرف شدن همین مقدار نیاز، مسئولیت دارند و نه بیش از آن. بنابراین بالاتر رفتن سطح زندگی این بخش از جامعه، وظیفه ثروتمندان نیست؛ چنان‌که اگر در پرداخت این وظیفه کوتاهی نکردند، نسبت به برخورداری‌های بالاتر از نیازهای اولیه خود، مثل خانه بزرگ یا پوشاک گران، شایسته مذمت نیستند. طبق این احادیث، برطرف نشدن نیازهای اولیه نیازمندان، به دلیل پرداخت نشدن حق شرعی آنان از سوی ثروتمندان است که به حال خود رها شده و فقرا را ماندگار کرده است. بر خلاف عبارت

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲ ص ۸، ح ۱۵۸۰.

۲. بخش نخست حدیث نقل شده در بند ۳.

مشهور مورد بحث که روی سخنش بر بهره‌مندی ثروتمندان و ساخت مسکن‌های گران‌قیمت متمرکز است و بین این‌گونه برخورداری‌ها و سختی معیشت تهی‌دستان رابطه مستقیم برقرار کرده و بر این باور است که هزینه ساخت بناهای مجلل اغنیا از طریق چپاول ثروت فقرا به دست می‌آید. پس تکیه‌گاه این دو نگاه متفاوت است؛ در روایات، دغدغه‌ها، بر روی برطرف شدن نیازهای اولیه و شدید نیازمندان متمرکز است که با کوتاهی ثروتمندان باقی مانده است، در حالی که در این عبارت مشهور، نگاه‌ها بر ثروت و تمکن و برخورداری ثروتمندان، دوخته شده و دغدغه این است که چرا چنین تمکنی دارند و در شرایط معمولی کسی نمی‌تواند بدین برخورداری‌ها دست یابد و قاعدتاً باید حقی از فقیری غصب کرده باشد. به نظر می‌رسد پیش‌فرض در نگاه دوم، این است که آفرینش، ثروت واقعی را به یک اندازه بین مردم توزیع کرده و اگر کسانی بیشتر دارند، حتماً حق دیگران را غصب کرده‌اند؛ در حالی که در نگاه اول، تفاوت درآمدها و برخورداری‌ها، پذیرفته شده و تنها ثروتمندان، از آن رو که در برطرف کردن نیازهای اولیه فقرا کوتاهی کرده‌اند و حق الهی زکات را نپرداخته‌اند، شایسته مذمت و عذاب الهی‌اند.

همچنین در روایات تصریح شده، رفع نیازمندی‌های اولیه فقرا بر عهده ثروتمندان گذاشته شده که برای برطرف شدن مشکل آنها، بخشی از اموال‌شان را به عنوان زکات به آنان بدهند؛ یعنی این‌که آنان را صاحب مال می‌داند، برخلاف باور پدید آمده توسط عبارت یادشده که اساساً دارایی ثروتمندان را ثروت به یغما رفته از تهی‌دستان می‌داند. بنابراین در نگاه اول ثروت ثروتمند به رسمیت شناخته شده و در نگاه دوم، خیر.

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الْخَلْقَ كُلَّهُمْ فَعَلِمَ صَغِيرَهُمْ وَكَبِيرَهُمْ، وَعَلِمَ غَنِيَّهُمْ وَفَقِيرَهُمْ، فَجَعَلَ مِنْ كُلِّ أَلْفِ إِنْسَانٍ حَمْسَةً وَعِشْرِينَ مَسْكِينًا، فَلَوْ عَلِمَ أَنَّ ذَلِكَ لَا يَسْعُهُمْ لَزَادَهُمْ، لِأَنَّهُ خَالِقُهُمْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِهِمْ؛<sup>۱</sup>

خداوند همه خلایق را بیافرید و از خرد و کلان و توانگر و تهی‌دست آنان آگاه است. او در میان هر هزار انسان بیست و پنج مستمند قرار داد. بنابراین، اگر می‌دانست زکات آن عده، زندگی این عده را تأمین نمی‌کند، بر مقدار زکات آنان می‌افزود؛ چرا که او آفریننده آنهاست و نسبت به مردم از خود آنان آگاه‌تر است.

۱. علل الشرائع، ص ۳۶۹، ج ۱.

برابر مضمون این حدیث، خداوند بر اساس حکمتی، تهی دستی را برای بخشی معین از افراد جامعه بشری مقرر فرموده، چنان که جبران آن و رفع نیازمندی این گروه را به بخش دیگر جامعه سپرده و دستور داده از طریق پرداخت بخشی از اموال خود در قالب زکات، این مشکل را برطرف کنند. در حدیث رضوی یادشده نیز گذشت که این خواست الهی مایه آزمایش هر دو گروه است. گروه نیازمند در صبر بر سختی معیشت، آزمایش می شوند و گروه دوم در دل کردن از اموال خود و توجه داشتن به نیازمندان و عدم غفلت از آنان. آن چه در این حدیث و حدیث رضوی مورد توجه قرار گرفته است، از دلالت آیه ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ نُنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾<sup>۱</sup> نیز برمی آید. برابر این آیه، گروهی بر این باورند که خداوند می توانست نیاز تهی دستان را به غذا برطرف کند و چنین نکرده است؛ پس ما در برابر آنها وظیفه ای نداریم. این آیه با این بیان، در صدد مذمت این افراد و رد اندیشه آنان است. این بدان معناست که نزد خردمندان، فرار از مسئولیت کمک به نیازمند با این بهانه پذیرفتنی نیست؛ چرا که وجدان و خرد عمومی، مسئولیت انسان در برابر مشکلات و گرفتاری های هم نوعان را درک می کند و روی گردانی از آن را خروج از مسیر انصاف و درک انسانی می داند. با این توضیح، روشن می شود که چرا به شبهه آنان پاسخی داده نشده است؛ زیرا هر فرد منصفی می فهمد که جامعه انسانی در برابر نیازمندان در هر زمینه ای مسئول است و همین کافی است. این مطلب روشن می سازد که فلسفه وجود برخی گرفتاری های شدید که با سعی و تلاش خود افراد برطرف نمی شود، به کار انداختن همین شعور و احساس انسانی جامعه است که در نهاد بشر قرار داده شده است. بنابراین بدیهی است خداوند به طور مستقیم و بی واسطه این مشکلات را برطرف نکند که جامعه بشری با بهره گیری از این استعداد نهفته در وجودش، به رفع آنها بپردازد و از این طریق پای بندی افراد به این درک و روحیه انسانی آزموده شود. فلسفه گرفتار شدن بخشی از جامعه به مشکل گرسنگی نیز در همین راستاست. بدین ترتیب بشر وظیفه دارد مشکلات جامعه خود را برطرف کند؛ چرا که خداوند، شعور انسانی و روحیه نوع دوستی و فهم لزوم ترمیم نابسامانی های اجتماع را به آن

۱. و هنگامی که به آنان گفته شود: «از آنچه خدا به شما روزی کرده انفاق کنید!» کافران به مؤمنان می گویند: «آیا ما کسی را اطعام کنیم که اگر خدا می خواست او را اطعام می کرد؟! [پس خدا خواسته است او گرسنه باشد] شما فقط در گمراهی آشکارید.» (یس، ۴۷).



عطا کرده است.<sup>۱</sup>

این چند حدیث، نزدیک‌ترین متون دینی به عبارت یادشده بودند. آن‌چه از مقایسه این عبارت با مضمون روایات یادشده برمی‌آید، این است که احادیث، تنها آن دسته از ثروتمندانی را که از راه درست و حلال کسب ثروت کرده‌اند، مخاطب قرار داده و نسبت به نیازهای اولیه تهی‌دستان مثل خوراک و پوشاک، مسئول‌شان می‌داند و آنان را در صورت نپرداختن زکات - که تأمین‌کننده این دست‌نیازهاست - گناهکار می‌شناسد. اما باید توجه داشت که شریعت، نسبت به آن دسته از ثروتمندان که از راه‌های حرام مثل غصب و دزدی، کسب ثروت کرده‌اند، نگاه دیگری دارد؛ نه آنان را صاحب ثروت می‌داند و نه دارایی آنان را به رسمیت می‌شناسد و هر گونه تصرف در این اموال را نامشروع می‌داند. چنین کسی حتی اگر با این اموال کار خیری مثل انفاق، انجام دهد، پذیرفته درگاه الهی نخواهد بود؛ چرا که بر اساس آیه شریفه *«إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»*<sup>۲</sup> خداوند فقط از پرهیزکاران می‌پذیرد و فردی که از راه حرام مثل دزدی، اختلاس، رشوه و غصب، کسب مال کرده پرهیزکار نیست؛ بلکه ستمگر و فاسق است. این‌گونه ثروتمندان آن‌چه در دست دارند ثروت به یغما رفته دیگران است و باید اموال را به صاحبان‌شان برگردانند. در این حالت، ثروتمند در هر نوع از تصرف، مال دیگران را به هدر داده است؛ چه کم باشد چه زیاد؛ چه کاخ بسازد چه کوخ و چه انفاق کند و چه ذخیره؛ چنان‌که اموال چپاول شده توسط وی ممکن است از آن فقرا باشد یا ثروتمندان که در این صورت، صاحبان حق، تنها نیازمندان نیستند و حتی ممکن است اغنیا یا افراد متوسط باشند. بدین روی کسانی که ثروت نامشروع اندوخته‌اند، در نگاه دینی به عنوان ثروتمند و صاحب ثروت به رسمیت شناخته نمی‌شوند و شایسته خطاب کمک به فقرا نیستند؛ بلکه آنان مخاطب وعده عذاب الهی در آخرت و شایسته

۱. برای نمونه می‌توان به تلاش بشر در قالب نهادهای بین‌المللی برای کاهش فقر اشاره کرد. به گزارش *خبرگزاری فارس* به نقل از مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، بر اساس گزارش نهایی آرمان‌های توسعه هزاره که امروز توسط بان کی مون دبیر کل سازمان ملل متحد در نیویورک رونمایی شد، آرمان‌های توسعه هزاره موفق‌ترین جنبش ضد فقر را در طول تاریخ به راه انداخته است و برای تصویب دستور کار توسعه پایدار در این سال نقش نقطه آغاز را ایفا می‌کند. گزارش آرمان‌های توسعه هزاره ۲۰۱۵ روشن می‌سازد که ۱۵ سال تلاش در سراسر جهان برای رسیدن به هشت هدف آرمانی که در اعلامیه هزاره در سال ۲۰۰۰ تعیین شده بود موفقیت‌آمیز بوده و در عین حال وجود نواقص باقی مانده را نیز تصدیق می‌کند. حدود نیمی از جهان در حال توسعه تنها طی زمانی کوتاه در دو دهه گذشته در فقر شدید به سر می‌بردند. تعداد افرادی که اکنون در فقر شدید زندگی می‌کنند به بیش از نصف کاهش یافته است و از یک میلیارد و ۹۰۰ میلیون نفر در سال ۱۹۹۰ به ۸۳۶ میلیون نفر در ۲۰۱۵ رسیده است (*خبرگزاری فارس*، سه‌شنبه ۱۶ تیر ۱۳۹۴).

۲. مائده، ۲۷.

برخوردهای جزایی حکومت برای بازگرداندن اموال به جایگاه خود و کیفر به سبب تصرف در اموال نامشروع اند.

مطلب دیگری که نباید مورد غفلت قرار گیرد، این است که مجموعه عظیم متون دینی از آیات قرآن گرفته تا روایات، در زمینه‌های مختلف عرصه زندگی بشر - چه به صورت فردی و چه اجتماعی - راه حل ارائه داده‌اند. به نظر می‌رسد درباره فقر و غنا نیز باید به مجموعه‌های گوناگونی از آیات و روایات مراجعه کرد که سخن دین در این عرصه مشخص شود. آن چه در این جا بدان پرداخته شد، تنها از یک زاویه بود و نظر به جبران آن مقدار از نیازمندی داشت که با پرداخت زکات برطرف می‌شود و گذشت که بر اساس حکمت الهی، مقداری معین از نیازمندان برای آزمایش انسان‌ها در اجتماع بشری قرار داده شده‌اند و زکات برای رفع این نیاز، تدبیر شده است. درباره آگاهی از نظر شرع در زمینه فقری که از عواملی دیگر برآمده نیز باید به مجموعه‌های دیگری از متون دینی مراجعه کرد. شمار فراوانی از روایات به چگونگی کسب درآمد حلال<sup>۱</sup> و تأکید بر کسب حلال به عنوان برترین نوع بندگی نظر دارند<sup>۲</sup> که در صورت رعایت آنها، بخش زیادی از فقر کاهش می‌یابد؛ چنان که اگر در بخش قضایی با متجاوزان به حقوق دیگران، به درستی برخورد شود، تأثیر فراوانی در کاهش فقر خواهد داشت که در این باره نیز متون دینی بسیاری وجود دارد. اگر مجموعه رفتارهای دینی توصیه شده به درستی اجرایی شوند و هر چیزی در جایگاه خود قرار گیرد، فقر ریشه‌کن خواهد شد. گویا حدیث ذیل بدین نکته نظر دارد.

امام کاظم علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْتَرِكْ شَيْئاً مِنْ صُنُوفِ الْأَمْوَالِ إِلَّا وَقَدْ قَسَمَهُ وَأَعْطَى كُلَّ ذِي حَقِّ حَقَّهُ الْخَاصَّةَ وَالْعَامَّةَ وَالْفُقَرَاءَ وَالْمَسَاكِينَ وَكُلَّ صَنْفٍ مِنَ صُنُوفِ النَّاسِ. فَقَالَ: لَوْ عُدِلَ فِي النَّاسِ لَأَسْتَعْنَوْا. ثُمَّ قَالَ: إِنَّ الْعُدْلَ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَلَا يَعْدِلُ إِلَّا مَنْ يُحْسِنُ الْعُدْلَ؛<sup>۳</sup>

همانا خداوند هیچ دسته‌ای از اموال را رها نکرده، مگر این که آن را تقسیم فرموده و

۱. مانند روایات بسیاری که درباره معاملات و خرید و فروش و انواع عقود وارد شده و بخش بزرگی از جوامع حدیثی به نقل آنها اختصاص یافته است.

۲. احادیث ذیل نمونه‌ای از این دست روایات اند:

قال رسول الله ﷺ: العبادَةُ سَبْعُونَ جُزْءاً، أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْخَلَالِ (الكافي، ج ۵، ص ۷۸، ح ۶).

قال رسول الله ﷺ: العبادَةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ، تَسَعَةُ أَجْزَاءٍ فِي طَلَبِ الْخَلَالِ (جامع الأحاديث للقمي، ص ۹۹).

قال رسول الله ﷺ: الكَادُ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ خَلَالٍ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۶۸، ح ۲۶۳۱).

۳. الكافي، ج ۱، ص ۵۴۲، ح ۴.

حق هر صاحب حق را عطا کرده، خواص و عوام و فقیران و بینوایان و هر دسته از مردم را. سپس امام فرمود: اگر در میان مردم عدالت رعایت می‌شد، بی‌نیاز می‌گشتند. سپس فرمود: همانا عدل از غسل شیرین‌تر است و به عدل نمی‌گراید جز کسی که آن را نیکو می‌شمارد.

به هر روی، در متون دینی رسیدگی به مستمندان، تنها در پرداخت زکات خلاصه نمی‌شود. در قرآن کریم حتی تشویق دیگران به تغذیه مستمندان، از وظایف انسانی دانسته شده و کسی که می‌تواند با تشویق صاحبان ثروت به رفع نیاز گرسنگان، کاری انجام دهد و چنین نکند، مذمت شده است. نمونه آن در سوره ماعون است که در مذمت منکران معاد می‌فرماید:

﴿رَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ \* فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ \* وَلَا يَحِضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ﴾<sup>۱</sup>

آیا کسی که روز جزا را پیوسته انکار می‌کند دیدی؟ او همان کسی است که یتیم را با خشونت می‌راند و [دیگران را] به اطعام مسکین تشویق نمی‌کند.

چنان‌که در بسیاری از موارد، هر جا سخن از نماز و توصیه به آن است سخن از زکات و انفاق به میان آمده است.<sup>۲</sup>

به نظر می‌رسد شریعت در این زمینه نیز از شیوه اعتدال در زندگی، به خوبی پاسداری کرده است؛ زیرا از یک سو، با آن سبک از زندگی که به ظلم و اجحاف در حق دیگران می‌انجامد به مبارزه پرداخته است و از سوی دیگر، ثروت به دست آمده از راه حلال را به رسمیت شناخته و نفرت از آنان را مذموم می‌داند؛<sup>۳</sup> هر چند ثروتمندان را نیز به حال خود رها نکرده و توصیه‌های فراوانی برای آنها دارد که از طغیان، غفلت، اسراف، تبذیر، بی‌بند و باری و دیگر آفات ثروتمندی مثل تکاثر، فخر فروشی و تجمل، در امان بمانند.

بنابراین در عرضه این عبارت مشهور به احادیث، روشن شد که این عبارت به گزیده‌ای از یک حدیث امیرمؤمنان علیه السلام بسیار نزدیک است: «فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مُتِّعَ بِهِ عَيٌّْ؛ پس

۱. ماعون، ۱-۳.

۲. ریشه لغت صلاة، یعنی «صلو» در ۲۸ مورد از آیات قرآن کریم با ریشه زکات یعنی «زکو»، همراه شده و در برخی موارد نیز در کنار نماز، از تعبیری مثل «از آن چه خدا روزی کرده انفاق می‌کنند» و یا «از آن چه خدا به آنان داده، انفاق می‌کنند» استفاده شده که نشان دهنده اهمیت کمک‌رسانی به نیازمندان به ویژه در امر تغذیه است.

۳. علل الشرائع، ص ۶۰۴، ح ۷۳؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۰۳.

هیچ تهی دستی گرسنه نماند، مگر به سبب این که ثروتمندی از حق او بهره‌مند شده است.» اما تکیه‌گاه و نوع دغدغه در این دو عبارت، متفاوت‌اند. در عبارت مشهور، ثروت ثروتمند به‌ویژه وقتی آن را برای ساخت بناهای مجلل و تشریفاتی هزینه می‌کند ثروتی غصب شده و برداشت شده از ثروت دیگران است که منجر به تهی دستی آنان می‌شود؛ در حالی که در این احادیث، دغدغه و نقطه اتکا، نیازمندی اولیه تهی‌دستان است که در اثر عوامل مختلف دچار تنگ‌دستی شده‌اند و خداوند جبران نیازمندی آنان را بر عهده ثروتمندان گذاشته و آنان با عمل نکردن به آن، وظیفه انسانی خود را رعایت نکرده‌اند و از این حیث گناهکارند. در این نگاه، ثروت ثروتمندان، مشروع و به رسمیت شناخته شده است و از این رو با نگاهی که عبارت مشهور دارد، بسیار متفاوت است.

بدین ترتیب خاستگاه عبارت یادشده را نمی‌توان احادیث دانست. شاید بتوان گفت این عبارت متأثر از نگاه کمونیستی، پردازش شده که با اصل سرمایه‌داری و مالکیت خصوصی مخالف است و آن را ناتوان از تدوین برنامه عادلانه اقتصادی اجتماعی می‌داند و به ثروتمندان، نگاه مثبتی ندارد و در زمینه مالکیت، نظریات افراطی دارد و به مالکیت عمومی می‌اندیشد. این احتمال با توجه به فضای دوران انقلاب و تبلیغات شدید گروه‌های چپ‌گرا و جولان آنها و گرم بودن بازار این نوع اندیشه در چند دهه اخیر، پذیرفتنی‌تر به نظر می‌رسد.

### نتیجه

در بررسی عبارت مشهور «هیچ کاخی برپا نمی‌شود، مگر آن که کوخی کنار آن بنا شود یا ویران گردد» به این نتیجه رسیدیم که این جمله در زمره روایات نیست و با بررسی مضمونی این جمله در احادیث، به شماری از روایات هم‌مضمون با آن برخوردیم که مشابه‌ترین‌شان به این جمله، حدیث امیرمومنان علیه السلام: «مَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مُتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ؛ هیچ تهی دستی گرسنه نماند، مگر به سبب این که ثروتمندی از حق او بهره‌مند شده» است که توسط مؤلفان و مبلغان، ترویج شده است. تأمل در محتوای این حدیث و احادیث مشابه، در مقایسه با عبارت یادشده، گویای این حقیقت است که احادیث بر رفع نیازمندی اولیه تهی‌دستان متمرکز شده‌اند و نسبت به ثروت ثروتمندان تعریضی ندارند، بلکه ثروت آنان را مشروع می‌دانند و تنها آنان را از این رو که از پرداخت زکات، خودداری کرده‌اند، گناهکار شناخته و مذمت‌شان می‌کنند. این در حالی است که عبارت یادشده بر ثروت ثروتمند، متمرکز شده و خاستگاه آن را نامشروع و برآمده از غصب اموال دیگران، و

هزینه‌های تجمل اغنیا را غارت شده از جیب فقرا می‌داند. بدین ترتیب بین دو عبارت، زاویه دیدی متفاوت وجود دارد و نمی‌توان گفت این عبارت مشهور، برداشتی از احادیث است؛ بلکه خاستگاه آن مربوط به اندیشه دیگری است. البته در دوره معاصر اندیشه‌های کمونیستی بیش از دیگر اندیشه‌ها می‌تواند محمل این عبارت باشد و با توجه به این‌که این عبارت در دهه‌های اخیر بر سر زبان‌ها افتاده و افکار کمونیستی نیز در این دوران شدیداً در حال تبلیغ و ترویج بوده و بازاری گرم داشته، این احتمال بیشتر تقویت می‌شود.

### کتاب‌نامه

- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.
- تفسیر القمّی، حسن علی بن ابراهیم بن هاشم قمّی، تحقیق: لسید طیب موسوی جزائری، قم، مؤسسه دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.
- جامع الأحادیث، ابی محمد جعفر بن احمد بن علی قمّی (ابن رازی)، تحقیق: سید محمد حسینی نیشابوری، مشهد، مؤسسه الطبع و النشر التابعة للحضرة الرضویة المقدّسة، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام، ابی حنیفه نعمان بن محمد بن منصور تمیمی مغربی، تحقیق: آصف بن علی اصغر فیضی، مصر، دارالمعارف، چاپ سوم، ۱۳۸۳ق.
- علل الشرائع، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمّی (شیخ صدوق)، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۳۸۵ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی، تحقیق: علی اکبر غفّاری، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ سوم، ۱۳۸۸ق.
- من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمّی (شیخ صدوق)، تحقیق: علی اکبر غفّاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ سوم.
- نهج البلاغة، محمد بن حسین بن موسی موسوی (شریف رضی)، تحقیق: سید کاظم محمدی و محمد دشتی، قم، دارنشر الإمام علی عليه السلام.
- وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، محمد بن حسن حرّ عاملی، تحقیق: عبدالرحیم ربّانی شیرازی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ پنجم، ۱۴۰۳ق.